

یادداشت هفته

اوضاع بی‌سروسامان قیمت نان



محمد رضا رسولی

● در روزهای گذشته گزارش‌های متعددی درباره گران‌شدن قیمت نان در برخی مناطق تهران منتشر شده است. بلاکلیفی نرخ نان باعث شده مردم شاهد قیمت‌های متفاوت نان در نانوایی‌های مختلف باشند.

این امر در کنار اتفاقاتی نظیر کاهش نامحسوس وزن چانه، افزایش قیمت در قالب نان‌های حاوی کنجد، سبزی خشک و… در عمل به‌عنوان راهکار دوزدن قیمت‌ها توسط بعضی از نانواها در نبود نظارت دستگاه‌های مسئول، موجب نارضایتی مردم شده است. آخرین افزایش قیمت نان طبق مصوبه‌ای در ۳۱ شهریور سال ۱۳۹۸ صورت گرفته و بر اساس آن مقرر شد مادامی که قیمت کندم و سایر هزینه‌های تولید افزایش نیافته است، این مصوبه ملاک عمل باشد. این در حالی است که به گفته نانواها، یارانه آرد تحویلی به آنها را مردم مصرف می‌کنند و نااوا باید نرخ بقیه هزینه‌های جانبی مانند خمیرمایه، بیمه، دستمزد کارگر و حامل‌های انرژی را که در این مدت افزایش یافته، از جیب خود پرداخت کند. به همین دلیل برخی از نانواها مطابق قیمت مصوب سال ۹۸ عمل نمی‌کنند. بیزن نرورزمقدم رئیس اتحادیه نانوایان ستی تهران دراین‌باره گفته است: «با افزایش هزینه‌ها و تورم در سال ۱۳۹۹، هزینه‌های زندگی ما نااوم مثل سایر اقشار جامعه افزایش یافته است. نانوایان چاره‌ای جز افزایش قیمت ندارند.»

ایشان با انتقاد از عملکرد نهادهای دولتی در پیگیری مشکلات و مطالبات نانوایان ادامه می‌دهد: «من به‌عنوان مسئول اتحادیه نمی‌دانم مشکلات نانواها را با چه کسی مطرح کنم». ناصر مدیحی، رئیس گشت‌های مشترک تعزیرات حکومتی تهران هم گفته: «ستاد تنظیم بازار در استانداری تهران جلساتی برای تعیین قیمت جدید نان برگزار کرده و تصمیماتی هم در این خصوص گرفته، اما هنوز مصوبه‌ای اعلام نشده». بنابراین افزایش نرخ نان توسط برخی نانوایی‌ها غیرقانونی است. در اظهارنظر دیگری معاون وزیر صمت گفته: «قیمت جدید نان کارشناسی شده و مراحل بررسی آن در استانداری و شورای آرد و نان طی شده، اما افزایش قیمت، منوط به هماهنگی استانداری با مقامات ذی‌صلاح، یعنی وزارت کشور و وزارت صنعت، معدن و تجارت است. استانداری در حال پیگیری از مقامات ذی‌صلاح است و قیمت جدید نشان در صورت موافقت آنها اعلام خواهد شد». مدیرکل تعزیرات حکومتی استان تهران هم اعلام کرده تاکنون موضوع افزایش قیمت نان تصویب نشده است و با نانوایان گران‌فروش برخورد می‌شود.

هر بار پیش از گران‌شدن قیمت نان، اظهارنظرهای مختلفی از سوی مسئولان مربوطه ارائه می‌شود و بعد از آن گاهی قیمت نان تا ۵۰ درصد افزایش می‌یابد. بلاکلیفی قیمت نان، انتقادات نمایندگان مجلس را نیز به دنبال داشته است. علی خضریان سخنگوی کمیسیون اصل ۹۰ مجلس دراین‌باره می‌گوید: «ولت می‌خواهد نرخ تعیین کند و آن را ثابت نگه دارد و نااوا هم نمی‌تواند با این شرایط زندگی کند. ادعای مطرح‌شده از طرف نانوایان مبنی بر افزایش هزینه‌های اولیه را یک مسئول و نهادی باید مورد بررسی قرار دهد که حقوق نانواها تضییع نشود. یک نفر باید مسئولیت کار را بر عهده بگیرد. از یک طرف ستاد تنظیم بازار کشور می‌گوید تعیین نرخ نان در دست استانداری است، از طرف دیگر استانداری گردن نمی‌گیرد و عملاً معیشت مردم را پاس‌کاری می‌کنند. این نشان از بی‌مسئولیتی در انجام مسئولیت‌هاست که خود عامل ایجاد بی‌انضباطی در بازار و بلاکلیفی قیمت نان است.»

ایشان در ادامه می‌افزاید: «با بحران بی‌مسئولیتی مواجه هستیم. مسئولان ما یاد گرفته‌اند برای حل یک بحران اصلا هیچ تصمیمی نگیرند و با پاس‌کاری موضوع به همدیگر حق مردم را ضایع کنند». روشن است با توجه به شرایط فعلی که در آن قرار داریم تشدید نظارت بر عملکرد مسئولان در روزهای پایانی دولت تدبیر و امید توسط نهادهای بالادستی مانند مجلس شورای اسلامی امری ضروری و واجب است. نان کالایی اساسی و جزء قوت مصرفی غالب مردم به‌خصوص مردم کم‌صداست است. شایسته است مسئولان مربوطه هرچه سریع‌تر جهت جلوگیری از هرج‌ومرج و سوءاستفاده عده‌ای، با پیش‌بینی تمهیدات مناسب همچون آب، برق و گاز یارانه‌ای و معافیت‌های مالیاتی، هزینه‌های نانوایان را کاهش دهند تا با رعایت حقوق آنان، دیگر نیاز به افزایش قیمت نان نباشد و به این شکل، حقوق مصرف‌کننده و طبقات ضعیف جامعه نیز رعایت شود.

تداوم ریزش شاخص بورس تهران در چند ماه اخیر به رونق‌گرفتن طرح‌ها و بسته‌های حمایتی منجر شده که هدف مشترک همه آنها ایجاد اعتماد و ترغیب افراد به تزریق دوباره پس‌اندازهای خود به بازار سرمایه و بالابردن تقاضای سهام است. رئیس سازمان بورس با اشاره به بسته پیشنهادی ۷+۳

و جدی‌دانستن حمایت دولت از بورس، به سهام‌داران توصیه کرد با دیدی بلندمدت پس‌اندازهای خود را وارد بازار سرمایه کرده و صبوری پیشه کنند؛ زیرا «سرمایه‌گذاری بلندمدت در بازار سرمایه همواره پادزهی مناسبی دارد». بر این اساس مواردی همچون منابع صندوق توسعه ملی، معافیت‌های مالیاتی و انتشار ۲۰ هزار میلیارد تومان اوراق دولتی قرار است سوخت لازم برای راه‌اندازی مجدد بورس، به‌عنوان «موتور محرک تولید داخلی» را فراهم کند تا جریان «جذب سرمایه‌ها برای حمایت از اقتصاد واقعی» متوقف نشود و از این رهگذر «زنان سهام‌داران خرد جبران شود». در این میان موضع اغلب کارشناسان درخصوص ریزش شاخص از کلی‌گویی‌های معمول فراتر نمی‌رود و عمدتاً دخالت دولت در بازار و تأمین مالی بودجه ۱۳۹۹ از مسیر ETF‌های پالایشی و فلزی را عامل سقوط شاخص، بی‌اعتمادی مردم و فرار سرمایه‌ها از بورس به دیگر بازارها می‌دانند. گویی اگر بورس مسیر طبیعی خودش را طی کند، در یک سیکل کارا به تأمین مالی بنگاه‌ها مشغول می‌شود و سرمایه‌گذاران نیز نقدینگی خود را وارد پروسه خلق ارزش جدید می‌کنند. با این حال درستی این موضوع درخصوص بازاری که عملکردش بیشتر به تردستی می‌ماند با پرسش مواجه است. مطالعات جهانی اخیر درخصوص عملکرد بازارهای مالی و فرایند تأمین مالی شرکت‌های سهامی نتایج دیگری را نشان می‌دهند. از آن جمله می‌توان به مطالعه دومینک بارتون و مارک وایس‌من (۲۰۱۵) اشاره کرد که نشان دادند افزایش عایدی شرکت‌های سهامی عام در بازار سهام، رشد اقتصاد آمریکا را تا ۰.۳ واحد درصد کاهش داده است. برای فهم آنچه رخ می‌دهد در گام اول باید از شعبده بورس رمزگشایی کرد.

رمزگشایی از شعبده

بورس‌بازان برای محاسبه سود سهام خود به نوسان قیمت‌های سهام می‌نگرند که برابند کل آنها ارزش بازار را می‌سازد. روش‌های قیمت‌گذاری اولیه سهام شرکت‌ها با وجود تفاوت‌های جزئی، همگی از چارچوب مشابهی پیروی می‌کنند. این چارچوب تخمین عایدی شرکت (جریانات نقدی سال‌های آینده) و تزییل آنها به زمان حال است. سازوکار تزییل جریانات نقدی سال‌های آینده بر این فرض استوار است که به دلیل وجود تورم و ریسک‌های مختلف، ارزش فعلی پول در زمان حال بیشتر از زمان آینده است. بنابراین نرخ تزییل (نرخ بهره) وارد محاسبات می‌شود. موضوع مهم این است که منابع حاصله در این فرایند قیمت‌گذاری و انتشار سهام به‌طور معمول مبلغ لازم برای راه‌اندازی پروژه تفاوت دارد. مثلا اگر فرض کنیم سرمایه‌گذاری یک میلیاردتومانی (M) در پروژه‌ای با سود سالانه ۲۰درصدی، سالانه ۲۰۰ میلیون تومان عایدی دارد، با فروش سهام همان پروژه (عرضه اولیه) در شرایطی که نرخ بهره بازار ۱۵ درصد باشد، حدود دو میلیارد تومان (S) به دست می‌آید. یک میلیارد تومان دوم (M) از لحظه انتشار اوراق سهام مسیر خود را از یک میلیارد تومان اول جدا می‌کند. یک میلیارد تومان اول همان سرمایه صنعتی است که در فرایند تولید به گردش می‌افتد و خلق ارزش جدید را ممکن می‌کند. با این حال یک میلیارد تومان دوم (که صرفا به‌طور اسمی سرمایه‌گذاری خاصی را نمایندگی می‌کند) به هیچ‌عنوان با چرخه سرمایه صنعتی کاری ندارد و فرایند نوسانات ارزش آن کمترین تأثیری بر گردش سرمایه صنعتی نخواهد داشت.

اگرچه در فرایند سنتی سرمایه‌گذاری، سرمایه اول (M) نماینده ارزش واقعی شرکت بود و سرمایه‌گذاران مالک سرمایه واقعی شرکت بودند. اما در سرمایه‌گذاری سهامی، سهام‌داران در واقع مالک عایدی آینده شرکت هستند که به زمان حال تزییل شده است. حجم سرمایه دوم (M) که مبنای سفته‌بازی قرار می‌گیرد، به مرور زمان از سرمایه صنعتی (M) فاصله زیادی می‌گیرد. بر این اساس ارزش بازاری سهام یک شرکت هیچ نسبتی با ارزش واقعی آن شرکت

تورم، مهم‌ترین مسئله ایران

بر اساس سرشماری سال

ادامه از صفحه اول

۱۳۹۵ گفته می‌شود حدود ۲.۵ میلیون خانه خالی در کل کشور وجود دارد (خانه‌های خالی در ایران چهار برابر انگلیس است) که حدود ۶۵۰ هزار آن در تهران است (نقلقول از معاون وزارت راه و شهرسازی). با یک حساب سرانگشتی هزاران میلیارد تومان سرمایه به صورت راکد در بخش مسکن باقی‌مانده که معلول تورم بالا و سوددهی بالا در بخش مسکن است و با شناسایی و اخذ مالیات این مسئله حل نخواهد شد. تورم مهم‌ترین مسئله اجتماعی-اقتصادی ایران است که این امر باعث شده هزاران میلیارد تومان (معادل ۳۵۰ میلیارد دلار) سرمایه در بخش مسکن راکد بماند. سرمایه راکد در بخش طلا و سکه حدود ۶۵۰ میلیارد دلار و در بخش ارزهای خارجی حدود ۲۰ میلیارد دلار است. در نتیجه حدود هزار میلیارد دلار سرمایه راکد به دلیل وجود تورم بلااستفاده و راکد باقی‌مانده و وارد عرضه تولید نمی‌شود. اگر تورم کنترل شود یا به زیر پنج درصد برسد، این سرمایه‌های عظیم وارد چرخه تولید شده و یک تغییر ساختاری در اقتصاد ایران ایجاد می‌کند و بسیاری از مسائل اقتصادی، اجتماعی و سیاسی ایران حل می‌شود. نرخ تورم نقطه به نقطه ایران در فروردین ۱۴۰۰ نسبت به فروردین ۱۳۹۹ حدود ۴۸.۷ درصد است که در مقایسه با بعضی از کشورهای همسایه ایران، رقم بسیار بالایی است. برای مثال این نرخ برای ترکیه ۱.۶، افغانستان ۴.۱، پاکستان ۰.۹، هند ۵.۶، عمان منفی ۰.۴، روسیه ۵.۸، ارمنستان ۵.۸، جمهوری آذربایجان ۳.۹، عراق ۰.۴، کویت ۰.۳، قطر منفی ۰.۳ و امارات متحده عربی ۱۰.۹ درصد است. امروزه بیش از ۱۷۰ کشور جهان نرخ تورم‌های تک رقمی دارند و بیش از ۱۵۰ کشور جهان تورم‌های زیر پنج درصد دارند. ایران با نرخ تورم ۴۸ درصد، ششمین کشور متورم جهان است. وجود تورم‌های مزمن و بالا در چند دهه اخیر بیانگر شکست سیاست‌های اقتصادی و ناکارآمدی شیوه حکمرانی اقتصادی است. بانک مرکزی اروپا در روزهای پایانی سال ۲۰۲۰ اعلام کرد نرخ تورم بهره وام بانکی مورد نیاز شرکت‌های فعال در منطقه یورو ۱.۳۶ درصد و نرخ بهره وام مسکن توسط افراد ساکن در کشورهای غیرمنطقه یورو همچنان ۱.۳۶ درصد خواهد بود. همچنین این مؤسسه اعلام کرد نرخ سود سپرده شرکت‌ها با سررسید بلندمدت ۰.۱۷ درصد و نرخ سود روزشمار برای شرکت‌ها نزد بانک‌ها مفرر درصد خواهد بود. در همین حال، سود سپرده افراد حقیقی در بانک‌ها نیز با سررسید یک‌ساله

اقتصاد

چرا بسته پیشنهادی ۷+۳ کمکی به بازار سرمایه ایران نکرد؟

بورس را بجنبان

ابوالفضل گرمابی · پژوهشگر



ندارد. برقراری ارتباط بین ارزش بازاری سهام و ارزش سرمایه واقعی یک شرکت از این بدفهمی اساسی ریشه می‌گیرد که تصور می‌شود سهام‌داران مالکان سرمایه واقعی شرکت هستند و چنانچه ارزش سهام در دست آنها بالاتر رود، گویی ارزش خود سرمایه صنعتی بالاتر رفته است. همان‌طور که تشریح شد این تصور غلط است و سهام‌داران تنها مالک عایدی بهره‌دار شرکت هستند که متناسب با روند نوسانات بازار بالا و پایین می‌رود. بر همین اساس پول جدیدی که در مراحل بعدی وارد بازار سهام می‌شود در واقع برای خرید و فروش حق‌های مالکیت بهره به کار گرفته می‌شود و سهام‌داری در واقع به یک ادعای صرف بر درآمد آینده تبدیل می‌شود. از آنجا که معاملات سهام (سفته‌بازی) نه بر بنگاه تأثیر دارد و نه فرآورده‌هایش، تغییرات مالکیت با گردش مداوم سهام هیچ تأثیری بر بنگاه و ارزش عایدی‌اش نخواهد داشت؛ بلکه بالعکس این برآورد عایدی بنگاه است که صرفا در مرحله اولیه انتشار سهام شرکت را تعیین می‌کند. بنابراین بی‌ارتباطی ارزش سهام یک شرکت با سرمایه یا سودآوری واقعی شرکت (حباب بازار سهام) پدیده‌ای منحصر به اقتصاد ایران یا مقاطع خاصی از یک اقتصاد سرمایه‌داری بحران‌زده نیست و ویژگی ذاتی بازار سهام است.

در این فرایند سود و زیان سفته‌بازی تنها از تغییرات در ارزش‌گذاری حق مالکیت بهره ناشی می‌شود. سود سفته‌بازی با سود مالی تسهیلات‌دهی که نصیب بانک‌های می‌شود این تفاوت اساسی را دارد که سود سفته‌بازی برخلاف سود مالی بانک‌ها سهمی از ارزش اضافی مستقیم یک بنگاه نیست؛ بلکه در واقع سفته‌بازان بخش‌هایی از ارزش اضافی را که بیش از این توزیع شده است در بازار سهام از یکدیگر می‌دزدند. بر همین مبناست که در این فرایند، برد یک سهام‌دار معادل باخت سهام‌دار دیگر است. مسئولان دولتی به پیروی از برخی تحلیلگران با تکیه بر بالاترزن تدریجی ارزش بازار سهام بر منتفع‌شدن همه سهام‌داران اصرار دارند. غافل از اینکه مالکیت سهم در قالب حق مالکیت بهره، زمانی مابازای بیرونی می‌پاید که ارزش اسمی آن نقد شود و سهمی از ارزش کل در گردش اقتصاد را که به شکل نقدینگی متجلی شده، از آن خود کند. در شرایطی که در روزهای اوج شاخص در مرداد ۱۳۹۹ ارزش کل بازار سهام حدود ۳۰ برابر نقدینگی بود و پس سقوط شاخص در بهار ۱۴۰۰ ارزش بازار سهام هنوز هم بیش از ۱۵ برابر نقدینگی کل اقتصاد است، نقدکردن هم‌زمان همه سهام‌داران حتی با فرض محال قابلیت تسویه و شکل‌نگرفتن صف‌های فروش، تنها با سقوط سرسام‌آور قیمت سهم‌ها ممکن است. اگرچه برندگان بازی که عمدتا حقوقی هستند با خروج در زمان‌های مناسب، بخشی از ارزش کل اقتصاد را که قبلا به شکل نقدینگی ایجاد شده، از سهام‌داران جدید (خریداران) می‌ستانند. با این وجود با

توجه به اینکه در بازار سهام ارزش جدیدی ایجاد نمی‌شود، در یک حالت پایدار نمی‌توان انتظار منتفع‌شدن همه بازیگران را داشت. البته روال معمول بازار تباری گروه‌های بزرگ‌تر (حقوقی‌ها) در افزایش تقاضا برای یک نماد بورسی به قصد بالابردن ارزش آن با هدف کشاندن سهام‌داران کوچک است. خالی‌کردن ملایم زیر پای سهم توسط حقوقی‌ها و جاماندن سهام‌داران خرد و متضررشدن آنها نیز پدیده‌ای همیشه در جریان است. این موضوع عارضه‌ای برای بازار سهام نیست؛ بلکه ذاتی بورس و رمز ماندگاری آن است. سود سفته‌بازانه در حالی در یک بازی قمارگونه (البته با تقلب فراوان) توزیع می‌شود که حقوقی‌ها و صاحبان سرمایه‌های بزرگ همیشه کارت برنده را در دست دارند. جالب اینجاست که با وجودی که عموم سهام‌داران خرد بر قماربودن این بازی واقف‌اند، کزکارکردی نظام اقتصادی در توزیع ارزش اضافی اقتصاد موجب اقبال مردم به این قمار می‌شود.

بورس را بجنبان

سقوط شاخص و بربادرفتن سرمایه‌ها، اعتماد مردم را نابود کرد و بازی بورس را از رونق انداخت. ولی اشتباهی سیری‌ناپذیر هلدینگ‌های مالی به تصاحب پس‌اندازهای مردم در کنار نیاز شدید دولت به استفاده از ظرفیت بازار سرمایه برای فروش دارایی‌های ملی، رونق دادن به بازی بورس را اجتناب‌ناپذیر می‌کند. وقتی بازیگران حقیقی بازار سهام، مایوس از کسب عایدی به دنبال فرار هستند و حقوقی‌ها با نوسان‌گیری قیمتی به فریب لحظه‌ای مردم قانع‌اند، تبلیغ و توجیه رسانه‌ای در جذب‌کردن بازی شکست می‌خورد. بنابراین اگر بی‌اعتمادی افراد به حدی رسیده که کمتر طمع می‌کنند یا دیگر سرمایه‌ای ندارند که صرف خرید سهام کنند، تنها راه چاره کشاندن آنها به بازی بورس آن‌هم بدون اطلاع خودشان است. موضوع مهم این است که بازی سفته‌بازانه بورس را نمی‌توان بدون بازیگران حقیقی پیش برد. ویژگی مشترک بسته‌های محرک بورس به‌خصوص بسته ۷+۳ این است که با منافع جاری مردم خرج بازی بازار سهام شود (مانند برداشت از صندوق توسعه ملی و معافیت‌های مالیاتی بورس‌بازان) یا کارت‌های مالی منافع آینده مردم را پیش‌خورد (مانند انتشار ۲۰ هزار میلیارد تومان اوراق مالی با تضمین دولت). وقتی مقامات دولتی «شکل‌گیری فرهنگ سهام‌داری را لازمه تأمین مالی پایدار بازار سرمایه» می‌دانند، نیم‌نگاهی به تأمین مالی ۹۵ هزار میلیارد تومانی از محل فروش سهام شرکت‌های دولتی در بودجه سال ۱۴۰۰ دارند. در این فرایند باقی‌مانده بنگاه‌های ملی متعلق به مردم راه خود را به بازار سهام می‌کشایند تا دو هدف محقق شود؛ اول اینکه به‌طور موقت کسری بودجه ترمیم شود و ثابا سهام بنگاه‌های واگذارشده پس از عبور از یک تردستی ماهرانه نصیب هلدینگ‌های بزرگ شود. زمانی که صحبت از تصاحب بنگاه‌های ملی است، استفاده از بازار سهام در قالب واگذاری‌های بلوکی و صندوق‌های ETF مالی و پالایشی نسبت به واگذاری‌های پر حرف و حدیثی مانند تصاحب شرکت مخابرات به یک هشتماد قیمت واقعی و حراج شرکت گشت و صنعت هفت‌تپه، اولویت دارد. اصلا مهم نیست کسانی که ماشه حراج منافع و دارایی‌های مردم را در بورس می‌کشند، مسئولان دولتی هستند یا صاحبان کارت‌های مالی کشور، آنچه مهم است منافی است که برای هر دو گروه محقق می‌شود. دولت با فروش دارایی مردم موقتا مشکل کسری بودجه را حل می‌کنند و کارت‌های مالی از دو مسیر خرید بلوکی و مفت‌خری سهم‌ها پس از سقوط شاخص، به ثروت بادآورده‌ای می‌رسند.

پنجشنبه ۶ خرداد ۱۴۰۰

ادامه از صفحه اول

ما و نگاه به داخل

نگاه کنبد به همین مسئله آب و برق در شرایط خشک‌سالی، در سالی که رهبر انقلاب آن را سال برطرف‌کردن موانع تولیدی می‌نامد، با کمبود برق اولیسن کار وزارت نیرو، قطع برق کارخانجات تولیدی است و البته به‌صورت نمایشی قطع برق برخی ادارات که چندان اثری ندارد. جناب آقای اردکانیان وزیر محترم نیرو که در شایستگی ایشان هیچ تردیدی وجود ندارد، در مصاحبه مفصلی به‌جای آنکه سیاست‌های محکم برای گذر از تنگنای آب و برق و نظام پیشنهادی برای خروج از بحران مربوطه را شرح دهد و آن را به عمل آورد از سیاست یکی به نعل و یکی به میخ استفاده کرده‌اند. خودشان می‌دانند که یک تابستان گرم و طولانی در پیش است و از هم‌اکنون مردم باید به‌صورت جدی سیاست صرفه‌جویی و حداقل ممکن مصرف را پیشه کنند و بسیار جدی با مسئله روبه‌رو شوند. به‌قول معروف اگر به استقبال مرگ سرخ تروییم مرگ سیاه ما را دربر می‌گیرد؛ همان‌طور که دولت دوازدهم به‌جای طراحی سیستم مقابله با تحریم سعی در عادی نشان‌دادن جامعه کرد و امروز به مسائل لاینحلی دچار شده است. غافل‌بودن از عمل به رهنمود مقام معظم رهبری درخصوص نگاه به داخل -البته در همه مسائل- موجب تأثیر فشا‌های خارج به داخل خواهد شد و صداالبته باید آن را هم رصد کرد، اما لازم است در همه زمینه‌ها نگاه به داخل و اصلاح در داخل عملی شود و این جز با کمک همه مردم و ارائه رهنمودهای مدیریتی از سوی حکمرانی ممکن نخواهد بود. یقینا دولت سیزدهم که رئیس آن هر که می‌خواهد باشد و از هر جناحی پیروز شود، به دلیل تراکم مسائل و مشکلات علی‌رغم همه وعده‌هایی که در مبارزه انتخاباتی خواهند داد، کاری نمی‌توانند انجام دهند؛ زیرا تنها یکپارچگی حکمرانی و مسئولیت‌پذیری همگانی در حکمرانی و نوشتن نسخه‌ای که به کار آید و مردم یا از آن اطاعت کنند یا ملزم به اطاعت باشند، ضروری است. همه باید بدانیم همان‌گونه که دفاع از مرزها واجب است و شهدای ما با خونشان آن را حفظ کرده‌اند، دفاع از امکانات خداداد و سرزمین‌مان که از آن همه ملت بهره می‌برند، از اوجب واجبات است و تسامحی که در این زمینه در طول سال‌های گذشته روا شده، نابخشودنی است. به فصل انتخابات، هم‌اینک داوطلبان ریاست‌جمهوری چه پاسخی دارند؟ کلام شفاف کجا بیان می‌شود؟



بهش می‌رسه

بهبودی کامل بیش از ۷۶۰۰ کودک، فقط حاصل کمک‌های ارزشمند شماست. ۳۰ سال است متعهد شده‌ایم با کمک‌های شما بهترین خدمات را به تمام کودکان مبتلا به سرطان ایران برسانیم، تا با همراهی‌تان کودکان بیشتری هر روز به آرزویشان برسند.

روش‌های حمایت از کودکان م‌ک:	شماره کارت:
۶۰۳۷-۹۹۱۱-۹۹۵۰-۰۵۹۰	۰۵۹۰-۰۵۹۰-۲۳۵۴۰-۰۲۱
گزینه نیکوکاری اپلیکیشن آپ	در م‌ک، عشق سی ساله شد
از اینکه به پیام ما توجه می‌کنید، سپاسگزاریم.	

